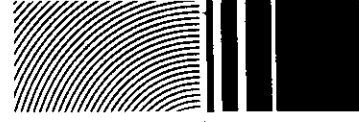


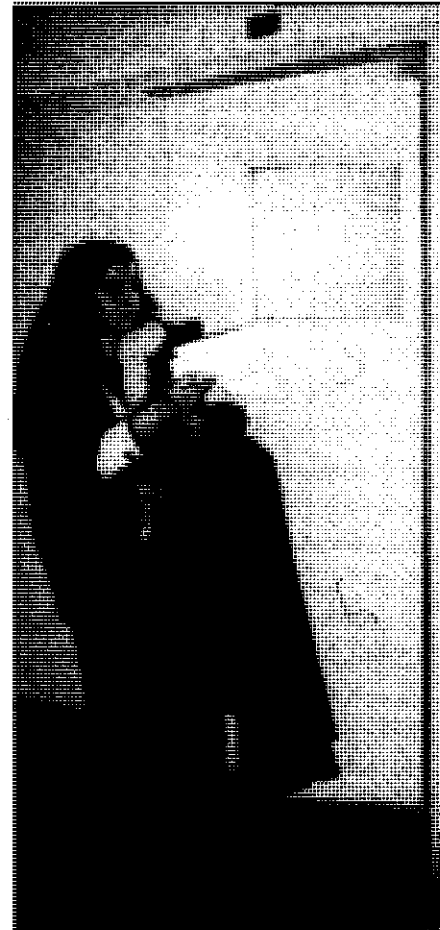
عملکرد دایره‌ی ارشاد و معاضدت و امداد قضایی

◆ دکتر مجید غمامی، استاد دانشگاه:

# ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه، وظیفه‌ی غیر قابل انکار قوه قضاییه



● دکتر مجید غمامی: اصحاب دعوی، پیش از دادگاه مکلف به مراجعه به واحدهای مشاوره و راهنمایی باشند، تا از موقع قانونی خود در دعوی آینده آگاه شوند.

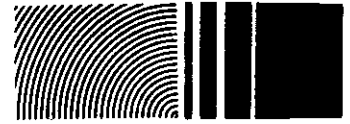


عملکرد این دو بخش با خانم داوودی، معاون رییس کل دادگستری در مجتمع خانواده و سرپرست بخش اجرای احکام این مرکز، گفت و گویی داشتیم.

- خانم داوودی، مجوز قانونی تشکیل واحد ارشاد و امداد در چه تاریخی تصویب شد و تحت چه عنوانی بود؟  
- مجوز قانونی تشکیل واحد ارشاد و امداد،

یکی از پر رفت و آمدترین مراجع قضایی تهران بزرگ مجتمع خانواده است. روزانه قریب ۳۰۰ دایخواست در زمینه‌های گوناگون، به خصوص دعاوی خانواده به این مرکز ارجاع می‌شود. اما آیا همه‌ی مراجعان نحوه‌ی بیان خواسته و نوشتن دایخواست خود را می‌دانند؟

از فعال‌ترین بخش‌های این مرکز، بخش ارشاد و امداد قضایی‌ست. درباره‌ی نحوه‌ی



● یکی از کارشناسان دایره‌ی ارشاد قضایی: روزانه قریب به ۲۵۰ دادخواست برای مراجعان تنظیم می‌شود و حجم کار در این مجتمع بسیار زیاد است.

● عریضه نویس: هر کس در حد و حدودی که اطلاعات و یا مهارت دارد، پول می‌گیرد. البته نرخ همین ۳۰۰ یا ۴۰۰ تومان است.

در دادگاه‌های مدنی خاص در تاریخ ۷۰/۹/۱۲ در ۲۶۶ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد.

- زمانی که دادگاه‌های عمومی به دعای خانواده رسیدگی می‌کردند در مجتمع‌های قضایی، این واحد وجود داشت؟

- در زمان تشکیل دادگاه‌های مدنی خاص، این واحدها نیز در کنار مراجع مذکور فعالانه عمل می‌کردند. با از بین رفتن دادگاه‌های مدنی خاص و تشکیل دادگاه‌های عمومی این مراکز نیز غیر فعال شدند تا زمانی که دعای خانوادگی از همه‌ی مراجع دادگستری به مجتمع خانواده احاله شد. واحد امداد قضایی نیز دوباره در کنار این دادگاه‌ها تشکیل شدند ولی بخش ارشاد قضایی نه به صورت خیلی فعال ولی فعالیتی را در مجتمع‌های قضایی داشته دارند. - تشکیلات امداد و ارشاد قضایی از هم جدا هستند. چه زمانی نیاز به مددکار احساس می‌شود؟

- بخش ارشاد قضایی تحت سرپرستی یکی از معاونان مجتمع است و مراجعان در بدو ورود به مجتمع که نمی‌دانند دعای خود را به چه ترتیبی باید مطرح کنند، به بخش ارشاد و معاضدت قضایی مراجعه می‌کنند که در این بخش عده‌ای از کارشناسان آن‌ها را راهنمایی می‌کنند و در واقع با آن‌ها مشاوره می‌کنند و نحوه‌ی طرح دعوی را برای آن‌ها بیان می‌کنند و بدون دریافت وجه، به مراجعان نحوه‌ی مطالبه‌ی خواسته‌شان را تفهیم می‌کنند ولی در بخش مددکاری یا امداد قضایی، گروهی از کارشناسان حقوق و یا متخصص در امور اجتماعی و مددکاری حضور دارند، هنگامی که قضات محاکم بخواهند در باره‌ی حضانت اطفال تصمیم بگیرند، که کدامیک از والدین برای نگهداری طفل صالح هستند، پرونده‌ی مربوطه به بخش مددکاری ارجاع می‌شود تا بررسی‌های لازم در باره‌ی موضوع مطرحه انجام شود. در باره‌ی تعیین نفقه یا محل سکونت که آیا با وضعیت زن تناسب دارد یا خیر نیز به همین ترتیب.

در دایره‌ی مددکاری عملکرد به صورت کارشناسانه است و این بررسی کارشناسی به تشخیص واقعیت و مصلحت طرف دعوی کمک می‌کند.

- تحصیلات حقوقی برای کارشناسانی که در بخش ارشاد و امداد هستند، الزامی است؟



- در متن صریح ماده‌ی قانونی ليسانس حقوق و یا معادل حوزوی و آشنا به مسائل فقهی حقوقی و اجتماعی ذکر شده است. بنابراین در بخش مددکاری بهتر آن است که کارشناس ما در زمینه‌های تعلیم و تربیت یا مددکاری تحصیلات داشته باشد. در بخش ارشاد قضایی که از افرادی که سابقه‌ی طولانی در کادر دادگستری و تحصیلات قضایی داشتند، استفاده شده است.

- اگر افراد فعال در این دو بخش به مشکلی برخورد کنند، مرجع حل مشکل کجاست؟

- از معاونان مجتمع یا قضات محاکم یا به هرحال از مرجعی بالاتر از خود رفع اشکال خواهند کرد تا راهنمایی و مشاوره‌ای که با مراجعان انجام می‌دهند، قانونی باشد و در نهایت مراجعه کننده با مشکل روبه رو نشود.

- نظراتان درباره‌ی کار افراد خارج از مجتمع خانواده که دادخواست برای افراد تنظیم می‌کنند، چیست؟

- عریضه‌نویسان از دیرباز در اطراف دادگستری بوده و هستند و با اطلاعات ناقص و

## ● در بخش ارشاد قضایی از افرادی که دارای سابقه‌ی طولانی در کادر دادگستری و تحصیلات قضایی هستند، استفاده شده است.

کم و بیش خود برای افرادی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند، عریضه می‌نویسند. منتها کار دایره‌ی ارشاد قضایی، راهنمایی و مشاوره است. اینان عریضه نمی‌نویسند بلکه به مراجعان کمک می‌کنند و مشکلات حقوقی و قضایی را بررسی و راهنمایی‌های قانونی می‌کنند. در ضمن واحد ارشاد نیز تحت سرپرستی یکی از معاونان مجتمع است و به کار این‌ها نظارت کافی دارند. - دایره‌ی اجرای احکام چه بخشی از مجتمع را تشکیل می‌دهد؟

- همه‌ی احکامی که نیاز به اجرا داشته باشند، اعم از کیفری که در مورد ترک انفاق، صادر می‌شود و احکام حقوقی یا صدور اجراییه یا دستور موقت و همین‌طور قرارهای تأمین خواسته، به واحد اجرای احکام برای اجرا می‌آید. این واحد قانونی است و مختص این مجتمع هم

● دکتر مجید غمامی: تعلیم اشخاص مقدم بر فصل خصومت میان آنان است، تمیز حق از باطل، قبل از دادگاه، باید در وجدان افراد انجام پذیرد و این تشخیص بر پایه‌ی آگاهی کامل در حقوق و تکالیف قانونی اشخاص، امکان‌پذیر است.



نیست. در کنار هر دادگاهی یک واحد اجرای احکام هم هست و این واحد نیز توسط یکی از معاونان مجتمع اداره می‌شود.  
- آیا واحد اجرای احکام مروری بر پرونده دارد و توضیحی از مرجع صادر کننده‌ی حکم می‌خواهد یا خیر؟

- اگر مشکلاتی در خلال اجرای حکم ایجاد شود، اجرای احکام از مرجعی که حکم را صادر کرده، توضیح و تصحیح حکم را می‌خواهد و یا در مورد نحوه‌ی اجرای حکم، ارشاد می‌گیرد. البته زمانی که در اجرای حکم و مدلول حکم اختلاف باشد، این دادگاه است که نحوه‌ی اجرا را معین می‌کند.

- به نظر شما انتقال دعاوی خانواده از دادگاه‌های عمومی به مجتمع خانواده چه تأثیری داشته است؟

- حرمت خانواده ایجاد می‌کند، پرونده‌های مختلف مجتمع‌های قضایی با پرونده‌های خانوادگی یک جا بررسی نشود. اما چون مجتمع در یک محل است و از تمامی نقاط دور و نزدیک تهران همه باید برای دعاوی خانوادگی به این مجتمع رجوع کنند، برای متقاضیان مشکل مسافت وجود دارد. اما حسن کار در این جاست که در جلسات هفتگی که در این مجتمع برگزار می‌شود، مسائل حقوقی و قضایی خانواده مطرح و رویه‌های واحدی اتخاذ می‌شود و با نظرات قضایی مطرح شده که با اکثریت آراء اعلام می‌شود، روش واحدی مورد اجرا قرار می‌گیرد.

- مراجعان به وقت‌های طولانی دادرسی معترضند علت این وقت‌های طولانی چیست؟  
- طولانی بودن وقت‌های رسیدگی دو علت دارد، یکی حجم کار روزانه و دوم این‌که چون صلاحیت سایر دادگاه‌ها در رسیدگی به مسائل

خانواده سلب شده، همه‌ی پرونده‌هایی که قبلاً در مجتمع‌ها درباره‌ی دعاوی خانوادگی مطرح بوده، به این مجتمع ارسال شده است.

در حال حاضر ۲۴ شعبه در این جا دایر شده، که سه شعبه در خارج از مجتمع فعال است و ۲۱ شعبه در همین مجتمع. در حالی‌که برای تشکیلات دادگاه خانواده ۲۰ شعبه پیش‌بینی شده است.

- لطفاً در باره‌ی سه شعبه‌ی خارج از مجتمع توضیح دهید؟

- دو شعبه در اداره‌ی سرپرستی و یک شعبه هم درباره‌ی دعاوی مطرحه از جانب خانواده‌ی شهداست. شعبه‌ی ۱۷۱۶ برای خانواده‌های شاهد و شعبات ۱۷۱۸ - ۱۷۱۷ برای اداره‌ی سرپرستی و در همان اداره فعال است.

- نظر شما درباره‌ی طلاق توافقی چیست؟

- به‌هرحال وقتی زن و مردی در یک مرحله به این نتیجه می‌رسند که ادامه‌ی زندگی مشترک برای آن‌ها امکان ندارد و زندگی مشترک توأم با تنش و اختلاف و بگو و مگو و درگیری‌ست، بهتر است که عاقلانه و به دور از خصومت و انتقام‌جویی با یکدیگر توافق کنند. خصوصاً در این حالت اگر فرزند دارند، در مورد نحوه‌ی حضانت و ملاقات آن‌ها تصمیم درستی اتخاذ کنند، که به سلامت فکری و جسمی و روانی فرزندانشان لطمه وارد نیاید و فرزندان را وجه‌المصالحه قرار ندهند و با توافق اقدام به تقسیم دادخواست طلاق کنند.

- انتخاب شما به‌عنوان سرپرست اجرای احکام در مجتمع خانواده، به‌عنوان زن، دلیل خاصی داشته است؟

- خیر، سرپرست اجرای احکام باید یکی از معاونان کل دادگستری باشد و به‌هرحال این هم یک شغل قضایی‌ست.

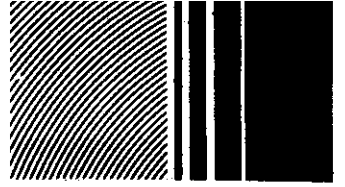
- عده‌ای از مراجعان توسط قاضی در محکمه یا توسط دایره‌ی مددکاری به‌سازش می‌رسند و از دادخواست‌های خود انصراف می‌دهند، چقدر احتمال دارد این افراد دوباره برگردند و طرح دعوی کنند؟

- اگر مشکل جزئی باشد و برطرف شود یا اگر ریشه دار بوده و در صدد حل واقعی و عمیق مشکل خود برآیند، دیگر بر نمی‌گردند ولی اگر نخواهند مشکل خود را حل کنند و به‌سازش مقطعی و سطحی برسند، صددرصد دوباره بر می‌گردند.

●●●

با کارشناسان دایره‌ی مددکاری درباره‌ی کار و نحوه‌ی عملکرد آن‌ها گفت‌وگو کردیم. یکی از کارشناسان می‌گوید:

- تقریباً همه‌ی پرونده‌هایی که در دادگاه مورد بررسی و اتخاذ رای قرار می‌گیرند، به‌جز مواردی که برای دادگاه محرز است، توسط دایره‌ی مددکاری مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. وقتی برای دادگاه بررسی در محل و خواسته‌هایی که طرفین دارند و مطرح می‌کنند، محرز نباشد، کارشناسان دایره‌ی مددکاری



## عملکرد دایره‌ی ...



# ● داوودی سرپرست بخش اجرای احکام در مجتمع خانواده: بخش ارشاد قضایی تحت سرپرستی یکی از معاونان مجتمع است و مراجعان در بدو ورود می‌توانند به بخش ارشاد و معاضدت قضایی رجوع کنند.

مسئول انجام این بررسی‌ها هستند.

\*\*\*

یکی از کارشناسان دایره‌ی ارشاد قضایی می‌گوید:

- روزانه قریب به ۲۵۰ درخواست برای مراجعان تنظیم می‌شود و حجم کار در این مجتمع بسیار زیاد است.

\*\*\*

از یکی از عریضه‌نویسان بیرون از مجتمع می‌پرسم:

- برای یک درخواست یا اظهار نامه چه مبلغی می‌گیرید؟

- بستگی دارد به موضوع، ولی دوروبر ۴۰۰، ۵۰۰ تومان است.

- تحصیلات شما چقدر است؟

- من دانشجوی... هستم.

- تحصیلات شما حقوق نیست. اطلاعات کافی در باره‌ی مسائل حقوقی دارید؟

- درست است که تحصیلات حقوقی ندارم ولی کتاب‌های حقوقی زیادی را مطالعه کردم. من الان می‌دانم ۱۸ نوع طلاق داریم و این‌ها را در دفترچه‌ای نوشته‌ام و در حال کار از آن استفاده می‌کنم.

- اگر با اطلاعات ناقص یا غلط دادخواستی بنویسید که متقاضی را دچار مشکل بیشتری کنید چه؟

- طوری نمی‌نویسم که ایجاد مشکل کند.

- چه مدت است که به این کار مشغولید؟

- سه ماه است.

یکی دیگر از عریضه‌نویسان می‌گوید:

- درآمد این کار بد نیست ولی به هر حال باید یک

حد و حدودی را از لحاظ مسافت با مجتمع رعایت کنیم، اگر این‌کار صورت نگیرد نیروهای انتظامی با کار ما مخالفت می‌کنند و اگر دستگیر شویم، تلاش چند روزه‌ی ما هدر می‌رود.

- چه قدر دستمزد می‌گیرید؟

- من ۲۰۰ الی ۴۰۰ تومان می‌گیرم.

- چرا قیمت‌های شما با هم فرق می‌کند؟

- هر کس در حد و حدودی که اطلاعات و یا مهارت دارد، پول می‌گیرد البته نرخ همین ۲۰۰ یا ۴۰۰ تومان است.

- شما چه تحصیلات یا سابقه‌ای در کار دارید؟

- من شش سال است که به این کار مشغولم ولی تحصیلات بالایی ندارم.

\*\*\*

در سایر سیستم‌های حقوقی در خارج از ایران، کار دایره‌ی ارشاد و امداد قضایی را پلیس

مراجعه می‌کند، باید توهین و حقارت بشنود، زود عصبانی می‌شوند و سرش داد می‌کشند در حالی که این مشکلات برای هر کسی در هر سیمت و مقطعی، امکان دارد رخ دهد.

با دوتن از استادان دانشگاه درباره‌ی واحدهای مشاوره و امداد قضایی گفت‌وگو کردیم و نظر آنان را درباره‌ی این دو واحد جویا شدیم.

دکتر مجید غمامی، متخصص در حقوق

خصوصی، درباره‌ی لزوم آگاهی و نیاز به این

واحد در دادگستری گفت: «قاعده‌ی حقوقی،

قانون رفتار اجتماعی‌ست که اجرای آن، نظم

مطلوب و عدالت معهود را در روابط اجتماعی

تأمین می‌کند. پایبندی به این قواعد لازمی

جامعه‌ای منظم و بی‌اعتنایی به آن موجب تیرگی

و آمیختن حق و باطل به یکدیگر است. لیکن، باید

دانست که التزام به هنجارهای حقوقی، فرع به



شناختن و آگاهی از آن است.

با وجود این، نمی‌توان توقع داشت که جز

پاره‌ای از خواص، همگان بر قواعد حقوقی، که

موضوع علم حقوق را تشکیل می‌دهد، احاطه

یابند. این امر نه مقدور است و نه مطلوب. کافی

است که مردم، از انتشار قوانین که نخستین

منبع قواعد حقوقی‌ست، مطلع شوند. گرچه

قانون تنها گوشه‌ای از واقعیت‌های حقوقی

جامعه را نشان می‌دهد. اما همین نمودار کوچک

نیز اغلب از مخاطبان خود پنهان می‌ماند. از

این‌رو مرسوم است که آگاهی عموم از قانون را

مفروض می‌دارند و ادعای جهل نسبت به آن را

نمی‌پذیرند. هرچند، این فرض که در بیشتر

موارد با واقع منطبق نیست، مورد انتقاد برخی

انجام می‌دهد. چون پلیس آن‌جا تحصیلات

حقوقی و مددکاری دارد. با این بررسی و تحقیق

نه چندان وسیع با کار این دو مرکز در مجتمع

خانواده آشنا شدیم ولی همچنان شاهد هستیم

که مراجعان برای مشاوره و همچنین تنظیم

داخواست خود از عریضه‌نویسان در خارج از

مجتمع راهنمایی می‌خواهند در حالی‌که در خود

مجتمع چنین بخشی، فقط برای افرادی که به

مشاوره نیاز دارند تشکیل شده است. از زنی که

به یک عریضه‌نویس مراجعه کرده بوده دلیل امر

را جویا شدیم، وی گفت: «اولاً که این مرکز خیلی

شلوغ و پر ازدحام است و مدت زیادی را باید در

صف بایستم تا نوبتم شود و دیگر این که افراد

مرکز مشاوره فکر می‌کنند هر کس به این مراکز

## ● قضات محاکم در خصوص حضانت اطفال که کدامیک از والدین برای نگهداری طفل صالح هستند، پرونده‌ی مربوطه را به بخش مددکاری ارجاع می‌دهند تا بررسی‌های لازم درباره‌ی موضوع مطروحه انجام شود.

از اندیشمندان قرار گرفته است.

به هر حال، با پذیرفتن این نکته‌ی مهم که آگاهی از قواعد حقوقی مقدمه‌ی اطاعت از آن است، می‌توان این بحث را از منظری عملی‌تر مورد مطالعه قرار داد. می‌دانیم که قوه‌ی قضاییه، علاوه بر حق‌گزاری، برای احیا و ترویج قانونمندی و ممانعت از تخلف و تخطی از قوانین نیز دارای وظیفه است (اصل ۱۵۶ ق. اساسی)، وظیفه‌ای که اجرای آن اهمیتی کمتر از دادگستری ندارد. در هر دعوی، دو طرف خود را بر حق و طرف مقابل را باطل و زورگو می‌پندارند. این اعتقاد به حقانیت، غالباً مبتنی بر آگاهی ناقص یا جهل نسبت به قانون است. به این ترتیب تعلیم اشخاص، مقدم بر فصل خصومت میان آنان است، تمیز حق از باطل، قبل از دادگاه، باید در وجدان افراد انجام پذیرد و این تشخیص بر پایه‌ی آگاهی کامل از حقوق و تکالیف قانونی اشخاص، امکان‌پذیر است.

پس قوه‌ی قضاییه هنگامی می‌تواند به انجام وظایف خود مباحثات کند، که در کنار دادرسی، به ارشاد و هدایت حقوقی جامعه نیز توجه کند.

انجام این مهم با تشکیل واحدهای ارشاد قضایی پایان نمی‌پذیرد، این نقطه‌ی آغاز است، در همین اولین منزل نیز مطلوب آن است که اولاً، مشاوران مجرب قضایی در این واحدها گمارده شوند و متقاضیان اشتغال به قضا، پس از طی دوره‌ی کارآموزی، مدتی در این واحدها و زیر نظر قضای زبده و کارآمد به هدایت مستمندان و کسانی که از بد حادثه به دادگستری پناه آورده‌اند، بپردازند و ثانیاً، اصحاب دعوی، پیش از دادگاه مکلف به مراجعه به واحدهای مشاوره و راهنمایی باشند، تا از موقع قانونی خود در دعوی آینده آگاه شوند.

کوتاه سخن آن‌که، ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه، وظیفه‌ی غیرقابل انکار قوه‌ی قضاییه

است که تا در انجام آن همت نگمارد، تکلیف دادروری و عدل‌گستری خود را به تمامی اجرا نکرده است.»

زهرا داور، کارشناس ارشد حقوق خصوصی نیز در این باره گفت: «در حقوق خانواده آنچه که باید مورد توجه باشد، توجه به اخلاق و فرهنگ خانواده، در کل جامعه است. حقوق خانواده نمی‌تواند جدا از تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، مورد مطالعه قرار گیرد. جامعه‌ای موفق است و خانواده در آن نهادهای امن است که اخلاق بر آن حکومت کند نه قانون. واقعیت این است که اگر فرهنگ و اخلاق در خانواده نقش مثبت و مؤثر خود را داشته باشد، شاید اختلاف خانوادگی و تضییع حقوق افراد به حداقل برسد. به‌خصوص در مورد ارزش‌هایی که جامعه‌ی اسلامی ما به آن معتقد است، مشکل دایره‌ی ارشاد و مشکل زنان بیش از آن‌که تضییع حقوق آن‌ها باشد، عدم شناخت حقوق آن‌هاست. ناآگاهی زنان ما از قوانین حمایتی و چگونگی کاربرد این قوانین باعث تضعیف هرچه بیشتر آن‌ها شده است، چه از بعد حقوقی و چه از جنبه‌ی روانی.

پس رسالت دولت به عنوان ولی جامعه، علاوه بر تدوین قوانین حمایتی و تضمین اجرای آن قوانین، آگاه کردن افراد جامعه به ویژه زنان از حقوقشان است. افزایش دانش حقوقی زنان یا بالا بردن فرهنگ حقوقی افراد جامعه، به ویژه زنان کمک بسیار مؤثری است که اگر در این مورد بر فرهنگ حقوقی جامعه برای دراز مدت سرمایه‌گذاری کنیم، در ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر موفقیت بیش‌تری خواهیم داشت.

وظیفه‌ی دولت حمایت از حقوق افراد است اما اگر جامعه از وجود این نهادها آگاه نشود عملاً فلسفه‌ی وجودی این نهادها زیر سؤال می‌رود. بنابراین دایره‌ی ارشادها و نهادهایی مانند آن زمانی می‌توانند کمک مؤثری به زنان در احقاق حقوقشان باشند که اول شناخته شوند و این شناخت را مسلماً باید رسانه‌های گروهی و خصوصاً پرمخاطب‌ترین این رسانه‌ها، یعنی صدا و سیما انجام دهد.

متأسفانه آموزش حقوق و بررسی چگونگی اشاعه‌ی فرهنگ حقوقی جامعه را خیلی مورد بی‌مهری قرار داده‌ایم و به آن توجه نکرده‌ایم، که اگر این آگاهی به جامعه داده شود و مردم بدانند چه حقوقی دارند و چگونه از این حقوق می‌توانند استفاده کنند؛ مشکلات خانواده و در نهایت جامعه به مراتب کمتر خواهد بود. □

برداشتن حقوقی خود بیفزایید - ۶

هما مهری



فهر بهای زن نیست. هدیه به زن است و موجب پیوند عمیق‌تر زندگی زناشویی، در فصل هفتم قانون مدنی، مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ به مهر اختصاص یافته است و چگونگی تأدیه تمام و یا بخشی از آن را مشخص کرده است. برخی گمان می‌کنند که مهر بهای زن است و قیمتی است که مرد برای خریدن زن تعیین می‌کند، حال آن‌که چنین برداشتی اصلاً درست نیست.

برخی مهر را بخششی از سوی مرد به زن می‌دانند تا رضایت زن جلب شود و برخی مهر را بهای زن و برخی... می‌شمارند.

فلسفه‌ی وجودی مهر برای زنان بی‌شمار است، یکی از آن‌ها تأمین آینده و ایجاد پشتوانه‌ی مادی برای زن است.

### ● مهر

مهر کلمه‌ای است عربی که در فارسی آن را کابین می‌گویند. معادل‌های دیگر آن در زبان عربی